



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

The Right to Access Justice for Persons with Disabilities and the Elderly in the Legal Process (with Emphasis on the Guidelines Approved by the Judiciary in 1402)

Hadi Rostami¹, Atiyeh Azizi², Sajjad Lashkari Azar^{3*}

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Boali Sina University, Hamedan, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Department of Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of this research is to identify the right to access justice for persons with disabilities and the elderly in the legal process and to align it with human rights standards set forth in international documents such as the Convention on the Rights of Persons with Disabilities adopted in 2006 and to express policies and strategies of domestic laws in order to provide practical solutions and suggestions to address legal gaps and to bring it closer to human rights standards.

Method: This article is both practically and descriptively analytical in terms of method; information is collected using library and internet sources and the theoretical discussions and results are presented descriptively and analytically.

Ethical Considerations: In this study, ethical aspects of library research including authenticity of texts, honesty and integrity have been observed.

Results: The findings of this paper indicate that support for persons with disabilities has become a major concern influenced by human rights developments and achievements in recent legislative enactments. Effective steps have been taken towards predicting or enhancing various legal dimensions, leading to the development of the rights of persons with disabilities, which can now be considered an integral part of the process of addressing their rights.

Conclusion: The final outcome of this paper is that despite efforts to align laws with global human rights standards, due to the low level and quality of social capital indicators related to law-making, implementation of supportive policies in this area may face serious challenges. Therefore, optimal implementation of policies for equalizing persons with disabilities with others requires careful evaluation and analysis of policy outcomes in practice and improving the effectiveness of supportive policies and strategies accordingly.

Keywords: Disability; Access to Justice; Guidelines; Persons with Disabilities; Legal Capacity; Human Dignity; Convention

Corresponding Author: Sajjad Lashkari Azar; **Email:** Sajadlashkariazar@yahoo.com

Received: August 03, 2023; **Accepted:** December 06, 2023; **Published Online:** August 04, 2025

Please cite this article as:

Rostami H, Azizi A, Lashkari Azar S. The Right to Access Justice for Persons with Disabilities and the Elderly in the Legal Process; (with Emphasis on the Guidelines Approved by the Judiciary in 1402). Medical Law Journal. 2024; 18: e21.



حق دادخواهی افراد توانخواه و سالمند در فرایند دادرسی (با تأکید بر دستورالعمل قوه قضاییه مصوب سال ۱۴۰۲)

هادی رستمی^۱ ID، عطیه عزیزی^۲، سجاد لشکری آذر^۳ ID*

۱. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از این تحقیق شناسایی حق دادخواهی افراد توانخواه و سالمند در فرایند دادرسی و تطبیق آن با معیارهای حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر، از جمله کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین مصوب سال ۲۰۰۶ و بیان سیاست‌ها و راهبردهای قوانین داخلی اخیرالتصویب به منظور ارائه راهکارها و پیشنهادهای کاربردی در جهت رفع خلأهای قانونی مربوط در قوانین و تقریب بیشتر آن با معیارهای حقوق بشری است.

روش: این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد که مباحث نظری و نتایج به صورت توصیفی - تحلیلی ارائه شده است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این نوشتار بیانگر این واقعیت است که حمایت از معلولین، متأثر از تحولات حقوق بشری و دستاوردهای حقوق تطبیقی در قوانین اخیرالتصویب بیشتر مورد اهتمام واقع شده و با پیش‌بینی یا ارتقای ابعاد مختلف حقوقی، گام‌های مؤثری در جهت توسعه حقوق معلولین برداشته شده است، به گونه‌ای که می‌توان زین پس آن را جزء جدایی‌ناپذیر فرایند رسیدگی به حقوق آن‌ها محسوب کرد.

نتیجه‌گیری: برآیند نهایی از این نوشتار این است که علیرغم تلاش‌ها در جهت تقریب قوانین با معیارهای جهانی حقوق بشری، به دلیل پایین بودن میزان و کیفیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ارتباط با بسترمندسازی قوانین، امکان دارد اجرای سیاست‌های حمایتی در این حوزه با چالش‌های جدی مواجه شود. از این رو اجرای بهینه سیاست‌های برابر سازی افراد توانخواه با سایرین نیازمند ارزیابی و تحلیل دقیق نتایج تدوین سیاست‌ها در عرصه عمل و ارتقای کارآمدی سیاست‌ها و راهبردهای حمایتی به نحو مقتضی است.

واژگان کلیدی: توانخواه؛ دادخواهی؛ دستورالعمل؛ معلولین؛ اهلیت قانونی؛ کرامت انسانی؛ کنوانسیون

نویسنده مسئول: سجاد لشکری آذر؛ پست الکترونیک: Sajadlashkariazar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Rostami H, Azizi A, Lashkari Azar S. The Right to Access Justice for Persons with Disabilities and the Elderly in the Legal Process; (with Emphasis on the Guidelines Approved by the Judiciary in 1402). Medical Law Journal. 2024; 18: e21.

مقدمه

حق دادخواهی از حقوق اولیه هر فرد در جامعه انسانی است. حق دادخواهی آن است که هر یک از آحاد ملت، فارغ از هر نوع ویژگی قومی، قبیله‌ای، جسمانی، نژادی و... بتوانند به هنگام تحدید یا تضییع حقوق و آزادی‌های خود، از مراجع صلاحیتدار درخواست جبران خسارت نموده و مراجع مذکور در کمال بی‌طرفی و استقلال کامل، طی فرایندی عادلانه به موضوع رسیدگی نموده و رأی مقتضی را صادر نمایند. اعمال حق دادخواهی به عنوان یکی از ارکان تحقق عدالت قضایی مستلزم دسترسی به دادگاه، وکیل، مشاور و سایر ابزارهای لازم می‌باشد (۱). دسترسی به موارد مذکور و به تبع آن دادخواهی با پیروی از اصل برابری کلیه افراد در پیشگاه قانون، مستلزم تمهید سازوکارهای لازم در جهت دسترسی یکسان افراد به مراجع قضایی و سایر نهادهای دخیل در امر دادرسی است، بدین‌جهت، رعایت اصل برابری مبنای اصل تضمین حقوق افراد توانخواه در کلیه امور می‌باشد. یکی از جلوه‌های مهم آن، اصل «عدم تبعیض» است که در قبال توانخواهان از طریق بهره‌گیری از تبعیض مثبت تجلی می‌یابد (۲).

در جهان امروز حدود یک‌هفتم از جمعیت را افراد توانخواه تشکیل می‌دهند که به نوعی بزرگ‌ترین اقلیت به حساب می‌آیند (۳). بر مبنای تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO)، توانخواه فردی است که بر اثر ضایعات، بیماری، حوادث یا کهولت، قسمتی از امکانات بدنی یا روانی خود را به طور دائم یا موقت از دست داده و از استقلال فردی او در آموختن یا فعالیت کاسته شده است (۴)؛ سالمندی نیز فرایندی است که تمام موجودات زنده، از جمله انسان را دربر می‌گیرد و تغییرات زیستی و اجتماعی ناشی از آن به طور طبیعی موجب اختلال در کارکرد اندام‌های مختلف بدن و ناتوانی تدریجی در انجام و اداره امور شخصی و ایفای نقش اجتماعی فرد سالمند می‌شود (۵). بنابراین توانخواهان که بر اثر بیماری، حادثه و یا کهولت، قسمتی از توانایی‌های بدنی یا روانی خود را به طور دائم یا موقت از دست داده و از استقلال فردی ایشان در آموختن یا فعالیت کاسته شده است، ممکن

است به جهت وجود موانع گوناگون از مشارکت مؤثر در شرایط برابر با دیگر افراد جامعه محروم گردند و از دریافت جبران‌های مناسب برخوردار نباشند که از این جهت نیازمند حمایت ویژه و فراهم‌آوردن امکانات خاص می‌باشند. بر همین اساس، قانونگذار ایرانی ضرورت تضمین حق دادخواهی را نسبت به این گروه دریافته و سرانجام در سال ۱۴۰۲ «دستورالعمل حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمند در فرایند دادرسی» تصویب نموده است. این مقرر به عنوان جدیدترین سند حقوقی در راستای تضمین حق دادخواهی افراد توانخواه، از ۳۷ ماده و ۱۲ فصل تشکیل شده است. از نظر محتوایی نیز پس از ارائه تعریفی از عبارات به کاررفته در دستورالعمل (فصل اول)، به شناسایی افراد مشمول (فصل دوم)، تکریم فرد دارای معلولیت و سالمندان و مناسب‌سازی فیزیکی (فصل سوم)، حق دسترسی (فصل چهارم)، احترام به اراده و خواست فرد مشمول (فصل پنجم)، دسترسی غیر فیزیکی (فصل ششم)، شناسایی وضعیت مخاطره‌آمیز و اقدامات پیشگیرانه (فصل هفتم)، نحوه انجام اقدامات حمایتی در قوه قضاییه (فصل هشتم)، معاضدت قضایی (فصل نهم)، ضوابط دادرسی ویژه اشخاص دارای معلولیت (فصل دهم)، آموزش و پژوهش (فصل یازدهم)، نظارت بر حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت (فصل دوازدهم) پرداخته است (۶).

حال با توجه به اینکه حقوق افراد توانخواه و سالمند بنا بر علل متعددی ممکن است در معرض تضییع قرار گیرد، سؤال اساسی آن است که «مهم‌ترین اصول و ضوابط تضمین حق دادخواهی افراد توانخواه و سالمند در فرایند دادرسی چیست و چگونه می‌توان آن را بهبود بخشید؟»

در سال‌های اخیر و با هدف شناساندن حق دادخواهی افراد توانخواه به جامعه علمی، پژوهش‌های بسیاری در قالب‌های گوناگون به چاپ رسیده است که مهم‌ترین آن‌ها تنها به گروه خاصی از این افراد اختصاص پیدا کرده است. از این رو ضروری است پیش از هرگونه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در این زمینه، تصویر واضح و روشنی از بدنه دانش انباشته در این حوزه، داده‌ها و اطلاعات دقیق و علمی در اختیار سیاستگذاران قرار گیرد. در پژوهشی توسط شعبانی و پروین (۱۴۰۰ ش.) با

تمرکز بر زنان دارای معلولیت راهکارهایی همچون «واداشتن دولت‌ها به تأمین دسترسی، تأمین مهارت‌آموزی، اصلاح قوانین و افزایش آگاهی عمومی، به جهت مقابله با خشونت علیه زنان معلول و دسترسی آنان به عدالت پیشنهاد گردیده است» (۷). در پژوهش دیگری که توسط گرمارودی و همکاران (۱۴۰۲ ش.) به انجام رسیده است، «آموزش ویژه برای کارکنان حوزه دادگستری، افزایش آگاهی عمومی، تضمین دسترسی‌پذیری و همسان‌سازی متعارف، حضور سازمان‌های مردم‌نهاد و پیروی از توصیه‌های کمیته حقوق افراد دارای معلولیت به کشورهای عضو به عنوان راهکارهایی در جهت تضمین حق دادخواهی کودکان توانخواه و جلوگیری از خشونت علیه آن‌ها بیان گشته است» (۳). در پژوهش‌های خارجی نیز برخی موارد، از قبیل غیر قابل اعتماد و فاقد اعتبار بودن اظهارات توانخواهان ذهنی در طرح شکایات کیفری (۸)، فقدان اطلاعات در دسترس در مورد نحوه گزارش‌دهی، عدم پشتیبانی و ارائه تسهیلات در طول فرآیند اجرای عدالت (۹)، درک منفی در مورد ظرفیت یا صلاحیت افراد دارای معلولیت برای ادای شهادت (۱۰) و موانع مرتبط با مصاحبه پلیس و معاینه متقابل، به ویژه چهارچوب‌بندی سؤالات (۱۱)، به عنوان عوامل مانع دسترسی به عدالت شناخته شده‌اند.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، در خصوص تبیین اصول و جلوه‌های اعمال حق دادخواهی افراد توانخواه با تکیه بر قوانین اخیرالتصویب مانند «دستورالعمل حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمند در فرایند دادرسی» پژوهش جامعی به رشته تحریر درنیامده است و نوشتار حاضر می‌کوشد تا با شناخت و استخراج مضامین پایه‌ای حق دادخواهی و موارد تسهیلگر و تسریع بخش اعمال حق مذکور توسط توانخواهان و سالمندان در دستورالعمل فوق‌الذکر، به صورت‌بندی و توسعه حق دادخواهی پرداخته و با ارزیابی میزان کارآمدی سازوکارهای پیش‌بینی‌شده به ارائه راهکارها و پیشنهادهای در راستای ارتقای کیفیت عملکرد آن بپردازد.

با توجه به آنچه که گفته شد، پژوهش حاضر با هدف شناسایی جلوه‌های مثبت و کارآمد دستورالعمل «نحوه حمایت از حقوق

اشخاص دارای معلولیت سالمند در فرایند دادرسی» در تضمین حق دادخواهی افراد توانخواه در سه بخش به روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای می‌کوشد تا با برجسته‌سازی نقاط قوت دستورالعمل و ارائه راهکارهایی در جهت رفع نواقص احتمالی آن به ارتقای کیفیت و کاهش تبعیض حقوق مشمولان این دستورالعمل کمک نماید.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این مقاله از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است؛ گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد که مباحث نظری و نتایج به صورت توصیفی - تحلیلی ارائه شده است.

یافته‌ها

یافته‌های این نوشتار بیانگر این واقعیت است که حمایت از معلولین، متأثر از تحولات حقوق بشری و دستاوردهای حقوق تطبیقی در قوانین اخیرالتصویب بیشتر مورد اهتمام واقع شده و با پیش‌بینی یا ارتقای ابعاد مختلف حقوقی، گام‌های مؤثری در جهت توسعه حقوق معلولین برداشته شده است، به گونه‌ای که می‌توان زین پس آن را جزء جدایی‌ناپذیر فرایند رسیدگی به حقوق آن‌ها محسوب کرد. تدوین و اجرای بهینه سیاست‌های برابر سازی افراد توانخواه با سایرین نیازمند ارزیابی و تحلیل دقیق نتایج تدوین سیاست‌ها در عرصه عمل و ارتقای کارآمدی سیاست‌ها و راهبردهای حمایتی به نحو مقتضی است. از این رو در سایه عملیاتی‌سازی سازوکارهای مندرج در قوانین و اسناد حقوق بشری می‌توان به اهداف نظام سیاستگذاری کیفری در عرصه دادرسی دست یافت.

بحث

دستورالعمل مذکور در راستای اعمال مؤثر حق دادخواهی توسط معلولین و سالمندان حقوقی را پیش از شروع به دادرسی، حین و پس از اتمام آن مورد شناسایی قرار داده است که در جهت تبیین دقیق به تفکیک مورد تشریح و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. **تضمین‌های پیش از دادرسی:** پشتیبانی از هر یک از ناتوانی‌ها ملاحظات مهمی است که بر تحقق برابری افراد توانخواه تأثیر می‌گذارد. تصویب کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص دارای معلولیت آخرین رهاورد جامعه بین‌المللی است که برخی آن را نقطه عطفی در گذار از مرحله «نگاه ترحم‌آمیز» به «رویکرد حق‌مدارانه» در خصوص معلولان تلقی می‌کنند (۱۲). از حیث ساختاری نیز، حقوق افراد توانخواه در این کنوانسیون با پیروی از میثاقین سه‌گانه حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و حقوق همبستگی در ۲۳ ماده تشریح شده است (۱۳). دستورالعمل با الهام از کنوانسیون فوق‌الذکر موارد مهمی را مطرح می‌سازد که می‌تواند دسترسی به عدالت و حمایت از افراد توانخواه را میسر نماید و نقطه عطفی در نظام شکلی و دادرسی محسوب می‌گردد.

۱-۱. **تکریم و برابری فرد در پیشگاه قانون:** کرامت انسانی در اسناد بین‌المللی دارای جایگاهی ویژه است، به نحوی که صراحتاً شناسایی کرامت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ م.) مبنای آزادی، عدالت و صلح بشمار رفته است. در اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (۱۹۹۷ م.) نیز که به دنبال پیشرفت فناوری پزشکی و در راستای صیانت از اخلاق زیستی توسط سازمان یونسکو تصویب شد، آمده است: «هر کسی حق دارد بدون توجه به ویژگی‌های ژنتیک خود، از احترام به کرامت انسانی و حقوق خود برخوردار باشد» و «انجام هرگونه پژوهشی درباره ژنوم انسانی، به ویژه در زمینه‌های زیست‌شناسی، ژنتیک و پزشکی نباید بر رعایت حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و کرامت افراد مقدم

شمرده شود» (۱۴). در راستای حفظ تکریم فرد مشمول در دستورالعمل دو هدف برگزیده شده است: نخست، ممانعت از هرگونه توهین، تحقیر و استخفاف افراد مشمول در کلیه مراجع قضایی، شبه‌قضایی و انتظامی؛ دوم، حفظ کرامت افراد دارای اندام‌های مصنوعی یا وسایل کمک حرکتی در مکانی به دور از ازدحام و دور از دید مراجعان. برای رسیدن به هدف نخست، بایستی به رفتارهای بی‌طرفانه و غیر تبعیض‌آمیز پایبند بود و از هرگونه توهین و تحقیر اجتناب کرد. همچنین می‌بایست آموزش‌های لازم را به کارکنان مراجع قضایی، شبه‌قضایی و انتظامی ارائه گردد تا در برابر تبعیض و تحقیر، آگاهی داشته باشند و از رفتارهای غیر اخلاقی خودداری کنند. برای رسیدن به هدف دوم، باید بازرسی بدنی افراد دارای اندام‌های مصنوعی یا وسایل کمک حرکتی در مکانی به دور از ازدحام و دور از دید مراجعان انجام شود. رفتارهایی از این دست باعث حفظ کرامت افراد توانخواه می‌شود و به آن‌ها نشان می‌دهد که جامعه به آن‌ها احترام می‌گذارد و تلاش می‌کند تا زندگی آن‌ها را راحت‌تر کند. قانونگذار در موادی چند از دستورالعمل در راستای جامه عمل‌پوشاندن به اهداف فوق‌الذکر بیان داشته است که سازوکارهای حمایتی نباید منجر به تحمیل خواست و اراده دیگران، محرومیت، محدودیت یا توسعه محدودیت‌های فرد مشمول شود. همچنین در صورت تردید در نحوه تحقق اراده، بهترین تفسیر برای خواست و ترجیحات وی باید مورد توجه نهادهای حمایتی و قضایی مبنا قرار گیرد. به علاوه کلیه مراجع قضایی مکلفند در جهت تکریم و تضمین استقلال فرد با عنایت به اصل ممنوعیت تبعیض تلاش کنند و با رعایت بی‌طرفی در حدود قوانین، دعاوی یا اتهامات انتسابی به افراد مشمول را در کوتاه‌ترین زمان ممکن رسیدگی کنند. این تدبیر قانونگذار را می‌توان از نقاط روشن و امیدبخش دستورالعمل فوق دانست. علاوه بر ضرورت احترام به تکریم فرد برابری در پیشگاه قانون، پیش‌بینی سازوکارهایی مناسب در جهت تضمین دسترسی مؤثر افراد توانخواه به عدالت بر مبنای برابر با سایرین را ایجاب می‌نماید. «برابری در قانون، مربوط به نهادهایی است که تدوین و تصویب هنجارهای حقوقی را بر عهده دارند و برابری در مقابل قانون،

مربوط به نهادهایی است که وظیفه اعمال هنجارهای حقوقی بر دوش آن‌هاست» (۱۵). دسترسی به عدالت، همسو با برابری در پیشگاه قانون، ابزاری بی‌مانند را برای مقابله با تبعیض فراهم می‌آورد؛ این در حالی است که «بیشتر کسانی که نیازمند دسترسی به عدالت مؤثرند، اغلب با بیشترین موانع برای رسیدن به آن هم مواجه‌اند» (۷). برخی صاحب‌نظران اصل دسترسی به عدالت را در نظام حقوقی ایران توأمان به عنوان یک حق و قاعده پذیرفته‌اند (۱۶). از این رو دسترسی به عدالت مفهومی است که اغلب به عنوان «... توانایی مردم در جستجو و دستیابی به چاره‌جویی از طریق نهادهای رسمی و غیر رسمی عدالت تعریف می‌شود» (۱۷). بسیاری از اسناد حقوق بشری نیز از قبیل ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.)، ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ م.)، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰ م.)، بند «ب» ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۳۶۹)، ماده ۱۳ کنوانسیون حمایت از معلولان (۲۰۰۶ م.) و در سطح ملی، اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دسترسی به عدالت را در شمار حقوق افراد برشمردند و برخی اصول از قبیل اصل ۳۴ و اصل ۱۵۹ قانون اساسی نیز بر قاعده‌مند بودن اصل مزبور اشعار نموده‌اند. «بنابراین اصل دسترسی به عدالت تنها به معنای حق دسترسی به آن نیست، بلکه قاعده دسترسی به دادگستری را نیز دربر می‌گیرد» (۱۶).

۲-۱. دسترسی به مراجع قضایی و آموزش کنشگران

عدالت کیفری: در جهت تأمین این نوع از دسترسی، پیش‌بینی شده که امکانات مورد نیاز برای تسهیل رفت و آمد، امکان جهت‌یابی و مناسب‌سازی برای افراد مشمول مطابق با مقررات شهرسازی و دیگر قوانین و مقررات مربوط، فراهم شود (۶). اگر وضعیت امکان مذکور با وجود شرایط فوق نیز امکان دسترسی به افراد مشمول را نمی‌دهد تا زمان مناسب‌سازی فیزیکی، شعبه یا دفتر یا واحد ارائه‌کننده خدمات قضایی ویژه افراد دارای معلولیت در هر منطقه شهری فراهم شود. در ادامه نیز می‌توان اعلام نوع معلولیت در سامانه‌های مربوط جهت اطلاع مقامات قضایی قبل از شروع به رسیدگی توسط مرکز

آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه و ارتقای امکان برگزاری دادرسی الکترونیکی با اولویت افراد مشمول را از دیگر سازوکارهای مؤثر در این زمینه قلمداد نمود. بنابراین در ابتدا باید تسهیلات رفت و آمد مناسب برای افراد مشمول فراهم شود که شامل ابزار جهت‌یابی مناسب و امکان‌سازی برای استفاده از وسایل نقلیه عمومی و خصوصی است. همچنین باید در نزدیکی ساختمان مراجع قضایی و شبه‌قضایی پارکینگ‌های مناسب برای وسایل نقلیه افراد مشمول فراهم شود. در مرحله بعد باید طبقه همکف به عنوان محل ارائه خدمات قضایی همراه با تمام امکانات و نیروی انسانی لازم برای دریافت خدمات قضایی افراد مذکور فراهم گردد. همچنین برای افزایش کیفیت خدمات قضایی باید دفتری ویژه برای ارائه خدمات قضایی به افراد در منطقه شهری اختصاص داده شود که با توجه به نیازهای منطقه و در اولویت، باید در نزدیکی ساختمان مراجع قضایی و شبه‌قضایی قرار گیرد. در نهایت، باید امکان ورود وسیله نقلیه افراد مشمول به پارکینگ مراجع مذکور به نحوی با کمترین فاصله را تا درب ورودی ساختمان فراهم آورد. این امر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تسهیل دسترسی به مکان مراجع قضایی و شبه‌قضایی محسوب می‌شود. همگام با ماده ۱۳ کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶ م.)، می‌توان حق دسترسی به عدالت را بر دو مبنا قرار داد: نخست، تضمین حق دادخواهی مؤثر افراد دارای معلولیت بر مبنای برابر با سایرین؛ دوم، آموزش مجریان عدالت مانند پلیس، مأموران زندان و مقرر فوق دربرگیرنده تضمین حق دادخواهی مؤثر و کارآمد افراد دارای معلولیت بر مبنای برابر با سایرین و آموزش مجریان عدالت: «پلیس»، «مأموران زندان» و «مقامات قضایی» و به طور کلی «دست‌اندرکاران قضایی» است. بنابراین دسترسی به عدالت فارغ از بحث حق یا قاعده‌بودن، دارای دو تعریف «مضیق» و «موسع» است؛ دادخواهی در معنای مضیق، یعنی فرد دادخواه از طریق یک نظام رسمی و قانونی حق خود را تعقیب و پیگیری می‌کند و در تعریف موسع، دربردارنده دسترسی مؤثر و کارآمد به «سیستم»، «اطلاعات»، «مکان» و

«رویه شکلی» است. گذشته از این‌ها دسترسی به عدالت مستلزم چیزی فراتر از بهبود شرایط دسترسی یک فرد به دادگاه است. دسترسی به عدالت تضمین می‌کند که برآیندهای حقوقی و قضایی عادلانه و منصفانه‌اند. از این رو خاطرنشان شده است که «مفهوم دسترسی به عدالت نه فقط دسترسی قضایی، حضور مؤثر و استفاده از نظام حقوقی موجود، بلکه دسترسی اصولی (نتایج قضایی منصفانه و سودمند) و دسترسی ارتقای توانمندی شهروندان را دربر می‌گیرد» (۷).

ماده ۳۱ از دستورالعمل همسو با ماده ۱۳ کنوانسیون مصوب ۲۰۰۶، در تعیین وظایف و اختیارات قوه قضاییه در خصوص حمایت از اشخاص دارای معلولیت، شامل دو بخش است. در بخش اول، معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی قوه قضاییه موظف است برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت را با هدف افزایش سطح دانش و شناخت ابعاد و نشانه‌های معلولیت جسمی حرکتی، حسی، ذهنی، روانی و سالمندی و نحوه تعامل و توانمندی گروه هدف برای برخورداری از دادرسی عادلانه، با مشارکت متخصصین در حوزه سالمندان و حقوق اشخاص دارای معلولیت و دیگر اقشار آسیب‌پذیر به عمل بیاورد؛ در بخش دوم، پژوهشگاه قوه قضاییه با همکاری سازمان و مرکز آمار و فناوری اطلاعات موظف است با رصد و تحلیل پرونده‌های مربوط به افراد مشمول، آسیب‌های موجود را شناسایی و راهکارهای مناسب را به هر یک از نهادهای مرتبط ارائه دهد. همچنین آموزش‌های موصوف همراه با اطلاع‌رسانی همگانی با همکاری دستگاه‌های اجرایی مسئول و با تأکید بر رعایت کرامت انسانی افراد مشمول و ممنوعیت به کارگیری الفاظ موهن، تحقیرآمیز و رفتار سلطه‌جویانه و یا ترحم‌آمیز و شناسایی مصادیق آن صورت می‌پذیرد و در پایان، آموزش‌های موصوف همراه با اطلاع‌رسانی همگانی با همکاری دستگاه‌های اجرایی مسئول و با تأکید بر رعایت کرامت انسانی افراد مشمول و ممنوعیت به کارگیری الفاظ موهن، تحقیرآمیز و رفتار سلطه‌جویانه و یا ترحم‌آمیز و شناسایی مصادیق آن صورت گیرد.

۲. **تضمین‌های مرحله دادرسی:** دستورالعمل حاضر با الگوبرداری از چهارچوب حقوق بشری، دادرسی متمایزی را برای افراد مشمول پیش‌بینی نموده است. دادرسی افتراقی علاوه بر اینکه موجب تکمیل مقررات عمومی و رفع نارسایی‌ها می‌شود (۱۸). در مورد افراد سالمند و توانخواه به جهت متفاوت بودن آن‌ها، اهداف دیگری از قبیل برابری را برای آنان به عنوان بزه‌دیده، بزه‌کار و سایر اصحاب دعوا تضمین می‌کند. از این رو تکمیل و رفع نواقص از مقررات عمومی، نتیجه برداشت مضیق از دادرسی افتراقی است و تأمین اهداف ترمیمی در جبران خسارت از بزه‌دیده، اصلاح بزه‌کار و امنیت‌مداری، از جمله اصول راهبردی از این شیوه از دادرسی است (۱۹). تخصصی‌شدن رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با افراد توانخواه و اتخاذ تصمیم، غالباً دربردارنده نحوه گزینش، ترکیب و مشارکت اعضای تصمیم‌گیرنده است (۲۰). در دستورالعمل مقرر گردیده تا در تمام فرایند رسیدگی، مقام قضایی از نظر متخصصین مختلف بهره‌مند گردد، انجام معاینات توسط پزشکی قانونی صورت گیرد تا در صورتی که در تشخیص سلامت روانی بزه‌کار شبهه یا تردیدی وجود داشت مقام قضایی بتواند از خدمات پزشکی قانونی برای انجام معاینات و اتخاذ تصمیم مناسب برای فرد مشمول استفاده کند. به علاوه ایجاد پوشه وضعیت روانی برای معلولین دارای اختلال روانی که شامل گزارش‌های پزشکی، نظرات متخصصین و سایر اسناد مرتبط است و نظرات تخصصی کارشناس و داور نیز در صورت نیاز می‌تواند دادرس را در تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به پرونده و ارائه نظرات تخصصی کمک نماید (۶).

۱-۲. **همسان‌سازی متعارف در رویه شکلی:** همسان‌سازی متعارف به معنای تطابقات و تغییرات مقتضی است که فشار نامتناسبی را تحمیل ننماید و بهره‌مندی کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای افراد توانخواه در شرایط برابر با سایرین تضمین نماید. دسترس‌پذیری به اطلاعات و سیستم شکلی، جلوه‌ای نوآورانه در تضمین حق دادخواهی معلولین در راستای الزام به همسان‌سازی متعارف در فرایند دادرسی است

که لزوم آن در اسناد متعددی مورد تأکید قرار گرفته است (۲۱). با توجه به ضرورت تحقق اهداف مذکور نسبت به افراد توانخواه و سالمند، روزنامه رسمی کشور مکلف شده تا ضمن ارتقای زیرساخت‌های فناوری سایت خود زمینه دسترسی غیر فیزیکی به منابع قانونی و آگاهی اشخاص دارای معلولیت از حقوق خود را به گونه‌ای فراهم کند که قابلیت تبدیل نمادها به گفتار بلند و شنیدن بر اساس استاندارد به‌روز و جهانی موجود باشد. مراجع قضایی با همکاری سازمان‌های مربوطه با هدف حفظ برابری افراد در برابر قانون، باید نسبت به اطلاع داشتن افراد مشمول از مقررات و حقوق خود، مناسب‌بودن محل دادرسی، دسترسی مناسب به وکیل یا مشاور یا کارشناس و مطلع‌بودن فرد مشمول از وجود ساختارهای حمایتی مذکور در دستورالعمل اطمینان حاصل نموده و افراد مشمول را در مواقع مقتضی به کانون‌های وکلا یا مرکز امور وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده برای تعیین وکیل معاضدتی معرفی نمایند. همچنین لازم است منابع مناسب جهت تأمین وسایل کمک توان‌بخشی، فناوری‌های کمکی در زمینه نوشتاری نابینایان، وسایل کمک شنوایی ارتباطی برای کم‌شنوایان و منابع مناسب جهت پیش‌بینی فرد معتمد برای برقراری ارتباط کلامی با افراد دارای اختلال گفتاری فراهم آید. در راستای نظارت بر حسن اجرای حمایت‌های مذکور، ابتدائاً باید یک سامانه جامع اطلاعات برای افراد مشمول در کلیه مراجع قضایی ایجاد شود تا دادستان بتواند به صورت مؤثرتری نظارت خود را بر حفظ حقوق آنان داشته باشد، سپس با ارتقای سامانه مدیریت پرونده قضایی و ایجاد امکان برگزاری دادرسی الکترونیکی، تسهیل‌گری در دسترسی افراد به دادرسی عادلانه فراهم می‌شود. همچنین با شناسایی موارد مربوط به بهره‌مندی برابر افراد مشمول در مراجع قضایی و ارائه پیشنهاد به مقام قضایی مسئول، هم‌افزایی در جهت تضمین و اطمینان از برابری معلولان در پیشگاه قانون به وجود می‌آید. در نهایت، شناسایی موارد تضییع حقوق و دارایی افراد مشمول و معرفی به دادستان مربوطه، باعث حفظ حقوق آنان و افزایش اعتماد به سامانه قضایی می‌شود.

۲-۲. تبعیض مثبت برای توانخواهان ویژه: یکی از جلوه‌های تبعیض مثبت، حمایت ویژه از کودکان و بانوان توانخواه است. برای این منظور، قوانین و مقرراتی وجود دارد که باید به آن‌ها پایبند بود. اعمال حمایت‌های ماده ۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و ماده ۱۱ کنوانسیون حمایت از حقوق معلولین مصوب سال ۲۰۰۶، توسط دادستان برای توانخواهان در معرض خطر شدید به ویژه کودکان و نوجوانان ضروری است، اقدام مراجع قضایی به معرفی طفل و نوجوانان کم‌توان در معرض خطر به دادستان محل سکونت، مداخله دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان و اعمال حمایت معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، از جمله اقداماتی هستند که در راستای حمایت ویژه از کودکان و بانوان توانخواه انجام می‌شود.

مداخله دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی و ورود آسیب بیشتر، نظارت بر برخورداری طفل و نوجوان توانخواه از زندگی خانوادگی یا سرپرستی، ارائه مشاوره و حقوقی، اخذ دستور قضایی برای تعیین تکلیف تابعیت کودکان فاقد اسناد سجلی و اتخاذ تدابیر حمایتی نسبت به افراد مشمول تحت مراقبت در کانون اصلاح و تربیت، نشان می‌دهد که دولت و نهادهای مربوطه در جهت حمایت از کودکان و بانوان توانخواه تلاش می‌کنند. با توجه به این اقدامات و تلاش‌های مربوطه، می‌توان گفت که حمایت ویژه از کودکان و بانوان توانخواه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و باید همچنان تلاش برای بهبود وضعیت آن‌ها ادامه یابد.

علاوه بر دستورالعمل، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سازوکارهایی در جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و افراد توانخواه پیش‌بینی شده است که از طریق جرم‌انگاری‌های خاص و در پرتو ماده ۵ اعلامیه حقوق افراد مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی در سال صورت ۱۹۷۱ صورت گرفته و بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به طور نمونه در قانون مجازات اسلامی، کودکان توانخواه می‌توانند از دو جهت فاقد مسئولیت کیفری باشند: ۱- طبق ماده ۱۵۰ فاقد قوه اراده و قوه تمییز هستند و اساساً مسئولیت کیفری ندارند؛ ۲- این

کودکان علاوه بر ضعف ذهنی و ادراکی بعضاً صغیر محسوب می‌شوند و طبق ماده ۱۴۶ مسئولیت کیفری ندارند (۲۲). به علاوه استفاده از ظرفیت نهادهای مردمی همکار در حمایت از بزه‌دیده و یا در فرایند رسیدگی نسبت به افراد خاص مشمول در موضع شاکی، متهم، شاهد، مطلع یا در معرض خطر بزه‌دیدگی با رعایت مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸ از افراد مشمول حمایت کنند. همچنین استفاده از ظرفیت تشکل‌های مردم‌نهاد در حوزه قضایی، به دلیل تخصص و تجربه آنان می‌تواند به عنوان یک پل بین دادستان‌ها و افراد مشمول به بهبود فرآیندهای قضایی و حفظ حقوق شهروندان کمک کند. نهادهای مذکور با بهبود روابط دولت و مردم، رضایتمندی شهروندان را افزایش می‌دهد. نهایتاً امکانات و منابع قانونی و مالی نهادهای مذکور در ارائه خدمات حقوقی و حمایت از افراد در معرض خطر بزه‌دیدگی، مؤثر می‌باشد. بنابراین بهره‌مندی از ظرفیت این‌گونه تشکل‌ها، بهبود فرآیندهای قضایی و حفظ حقوق شهروندان را به دنبال خواهد داشت.

۳. تضمین‌های پس‌ادادرسی: دادخواهی را نباید فقط در توانایی و امکان اشخاص برای اقامه دعوا نزد دادگستری تعریف کرد، دادخواهی نه تنها جلوه‌های گوناگون دارد، بلکه دارای اسباب و لوازمی است که بدون آن دارای کاستی و نارسایی است. بنابراین پیش از بررسی و کاوش رویکرد تقنینی در عرصه داخلی، باید اذعان داشت تدوین مقررات ملی و بین‌المللی در جهت حمایت از افراد دارای معلولیت نشان‌دهنده تغییر اساسی در رویکرد سنتی نسبت به افراد توانخواه است (۲۲)، اما ایراد قابل ذکر در مورد برخی از اسناد بین‌المللی آن است که برخی از این اسناد بر «الزامی بودن» حقوق افراد توانخواه تأکید نموده و در برخی دیگر نیز بر «اعلامی بودن» این حقوق تصریح شده است (۱۳). از این رو حق تحفظ در کنوانسیون حمایت از معلولان موجب شده تا کشور ایران در سال ۲۰۰۷ با تصویب ماده واحده‌ای، اجازه الحاق کشور به این کنوانسیون را به طور مشروط صادر نماید.

در تبصره دوم ذیل این ماده واحده به استناد ماده ۴۶ و به استناد کنوانسیون ۱۹۶۹ وین به الحاق با حق شرط اشاره کرده است. این در حالی است که با نگاهی اجمالی به قوانین داخلی و بین‌المللی، به خوبی مشخص می‌شود که حفظ کرامت انسانی و برابری همه افراد نسبت به یکدیگر، جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوقی داشته و حداقل در مقام قانونگذاری، کاستی چندانی در این زمینه وجود ندارد.

۳-۱. تقویت نهادهای ارفاقی: تقویت حبس‌زدایی می‌تواند با اتخاذ اقدامات پیش‌بینی‌شده در دستورالعمل، نظیر خودداری از حبس، مناسب‌سازی بازداشتگاه و زندان‌ها، اتخاذ واکنش مناسب بر اساس توان فرد، معاضدت قضایی، حمایت از معلولین بزه‌کار با تبعیض مثبت، تقدم واکنش کیفری نوین در دادرسی افراد توانخواه و فراهم‌نمودن امکانات فنی و مهندسی فیزیکی لازم برای نگهداری در بازداشتگاه و زندان اعمال شود. با بهره‌گیری از این سازوکارها می‌توان به بهبود شرایط فرد توانخواه در فرایند دادرسی و اجرای حکم کمک کرد. در رابطه با حمایت‌هایی که از حقوق افراد توانخواه در این مرحله صورت‌گرفته می‌توان به بند «ث» ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری نیز اشاره کرد که قانونگذار در رابطه با وظایف قاضی اجرای احکام مقرر داشته است: «اتخاذ تصمیم درباره محکومان سالمند، مبتلایان به بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی صعب‌العلاج و سایر افراد محکوم نیازمند به مراقبت و توجه ویژه، از قبیل صدور اجازه بستری برای آن‌ها در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات...» بر عهده قاضی اجرای حکم است. همچنین ماده ۵۰۲ در زمینه تعویق اجرای مجازات برخی افراد بیان می‌دارد: «هرگاه محکوم‌علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد.» سؤالی که در این بخش پیش می‌آید، این است که چنانچه تضییع حق معلولان توسط دولت صورت گیرد آیا ضمانت اجرایی در کنوانسیون پیش‌بینی شده است؟ طبق پروتکل کنوانسیون در صورت نقض حقوق

نظارت بر حسن اجرای این دستورالعمل است. این تلاش‌ها به منظور حفظ حقوق بشر افراد دارای معلولیت در ایران است که در صورت فراهم‌شدن بسترهای اجرایی، نقطه عطفی در قلمرو تقنینی کشور به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری

بررسی ادبیات نوشتاری موجود در این حوزه، حاکی از آن است که سه دسته از پیش‌نیازهای حقوقی/ تقنینی، قضایی و اجتماعی به عنوان پیش‌نیازهای تضمین حق دادخواهی معلولان شناسایی شده‌اند. بنابراین نتیجه‌گیری در مورد یافته‌های پژوهش فوق، به طور خلاصه ذیل سه عنوان زیر قابل بیان است:

۱- تضمین حق برابری و دادخواهی معلولان؛ بسترها و پیش‌نیازهای تقنینی: در خصوص بسترهای تقنینی از این امر صحبت می‌شود که تضمین حق دادخواهی معلولان و مؤثر واقع‌شدن آن، در نخستین گام منوط به تصویب مجموعه قوانین منسجم و مبتنی بر مقتضیات اجتماعی محل اجرا است. قوانینی که قضات و سایر کنشگران مرتبط به راحتی بتوانند آن را متوجه شده و به راحتی اعمال یا اجرا کنند. مبهم‌نبودن و نداشتن تعارض با سایر مواد قانونی و مقرره‌ها از نکات ابتدایی این امر است.

۲- تضمین حق برابری و دادخواهی معلولان؛ بسترها و پیش‌نیازهای قضایی: بسترهای قضایی نیز در دو سطح سازمانی و فردی قابل تقسیم است:

- بسترهای قضایی سازمانی اشاره به تمایل دست‌اندرکاران عدالت کیفری به اعمال مقررات حمایتی دارد؛ به عبارتی چهارچوب و برنامه‌های دستگاه قضا باید به گونه‌ای تنظیم شده باشد که به کارگیری چنین نهادهایی را تسهیل کند؛

- در سطح فردی نیز مقام قضایی صادرکننده و مجری باید شناخت کافی در مورد این تدابیر و اثرات و فواید آن‌ها داشته باشند. به علاوه مشاوره قاضی دادگاه با متخصصان و اندیشمندان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی، جرم‌شناسی و... جهت رسیدگی پرونده‌های مرتبط با معلولین

شهروندان معلول از سوی یک دولت عضو، فرد خسارت‌دیده می‌تواند علیه دولت متخلف نزد کمیته به دادخواهی برخیزد؛ کمیته نیز ضمن رسیدگی، توصیه‌های لازم را به دولت طرف شکایت خواهد داشت، اما متأسفانه این ظرفیت برای اتباع دارای معلولیت دولتهایی است که پروتکل را تصویب کرده‌اند و الزامی برای کشورهایی نظیر جمهوری اسلامی ایران که سند یادشده را تصویب نکرده‌اند، ایجاد نمی‌کند.

۳-۲. ضرورت نظارت بر اجرای تام حمایت‌ها: قدرت دفاعی ضعیف مشمولان در مقابل تجاوزات باعث می‌شود هنگامی که مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند نسبت به اشخاص عادی، کمتر قادر به دفاع از خود باشند. از طرف دیگر بسیاری از این افراد قادر به تکلم یا برقراری ارتباط با دیگران نیستند و نمی‌توانند، ولی یا سرپرست خود را از جرم ارتكابی آگاه سازند. به همین دلیل ربایش آن‌ها ممکن است به علت عقب‌ماندگی ذهنی نوعی گم‌شدن به حساب آید و اذهان اولیا و مأمورین انتظامی از پیگیری ربایش آن‌ها معطوف به گم‌شدن آن‌ها شود. بر این اساس این افراد، گزینه‌های مناسب‌تری برای برخی از جرائم تجاوز، ربایش (به جهت سوءاستفاده جنسی، قاچاق اعضای بدن و...) هستند، در نتیجه شایسته است تا نهادهای نظارتی دخیل از دقت بیشتری برای افراد مشمول بهره‌گیرند و تلاش‌هایی در جهت کارایی و اثربخشی سیاست‌ها در حوزه برابرسازی توانخواهان و تضمین حق دادخواهی آن‌ها از رهگذر تقویت مشارکت نهادهای مردمی، اصلاح فرهنگ دادخواهی و تأمین زیرساخت‌های اجرایی سیاست‌ها، از جمله رفع موانع اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد. طبق دستورالعمل، سازمان بازرسی کل کشور مسئول رصد، ارزیابی و آسیب‌شناسی حقوق افراد توانخواه در دستگاه‌های اجرایی است. دادستان کل کشور نیز با همکاری نهادهای حمایتی و تشکیل کارگروهی ویژه، نحوه ارائه خدمات به افراد معلول را پایش می‌کند و در صورت لزوم پیشنهادهای لازم را به رییس قوه قضاییه ارائه می‌دهد، به علاوه شعب تخصصی مراجع قضایی برای رسیدگی به موارد تضییع حقوق افراد معلول تشکیل می‌شود. معاون اول قوه قضاییه نیز مسئول

محسوب می‌شود، زیرا اگر مردم و مسئولین به این تدابیر اعتقاد نداشته باشند، نمی‌توان از آن‌ها انتظار مشارکت داشت.

مشارکت نویسندگان

هادی رستمی: نظارت علمی بر مراحل نگارش مقاله، بازبینی نهایی محتوای حقوقی و ساختاری.
عطیه عزیزی: گردآوری منابع تکمیلی، دسته‌بندی داده‌های اسنادی و نگارش بخش‌های نظری و بنیادی.
سجاد لشکری آذر: ایده‌پردازی، نگارش بخش‌های تحلیلی و انتقادی، تحلیل داده‌ها و تنظیم منابع طبق شیوه‌نامه.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

الزامی است. جدای از اینکه به طور کلی مجریان اجرای احکام باید نسبت به سایر پرسنل قضایی از تخصص متمایزی برخوردار باشند. نیروهای نظامی و انتظامی نیز برای داشتن مهارت‌های لازم باید آموزش ببینند.

۳- تضمین حق برابری و دادخواهی معلولان؛ بسترها و پیش‌نیازهای جامعه‌ی: منظور از پیش‌نیازهای جامعه‌ی، آموزش عمومی و ارتقای فرهنگ عمومی نسبت به بسترمندسازی اجرایی قوانین حمایتی است. برای چنین معیاری نیز می‌توان دو بعد در نظر گرفت:

- سرمایه اجتماعی؛

- آموزش و فرهنگ‌سازی.

اندیشه همسان‌سازی متعارف معلولین و پیوند آن با نهادهای اجتماعی در میان حقوق‌دانان و سیاست‌گذارانی شکل گرفته است که میزان سرمایه اجتماعی جامعه آنان از درصد قابل قبولی برخوردار است و اساساً اجرای مقررات حمایتی نسبت به اقشار خاص جامعه، رابطه مستقیمی با سرمایه اجتماعی و شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن دارد. به همین دلیل، دولت باید قبل از اقتباس از کنواسیون حمایت از معلولین و یا تقلید از قوانین کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته، سعی در ارتقای سطح فرهنگی جامعه خود و بالابردن میزان سرمایه اجتماعی موجود در جامعه داشته باشد. به عبارتی میزان موفقیت و شکست اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها از نظر کمی و کیفی به میزان سرمایه اجتماعی در بین سه گروه «مخاطبان» (معلولان)، دست‌اندرکاران دستگاه قضایی و نیروی انتظامی و «اعضای جامعه» وابسته است، زیرا پایین‌بودن مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بین گروه‌های هدف و مخاطب این نوع تدابیر (پیوند و اعتماد بین فردی و همکاری و مشارکت داوطلبانه در رفع مشکل دیگران)، اصلاح رویه تبعیض‌آمیز موجود را غیر ممکن می‌سازد. حال با توجه به پایین‌بودن میزان و کیفیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ارتباط با هر سه گروه در ایران، امکان دارد اجرای سیاست‌های حمایت از معلولین با چالش‌های جدی مواجه باشد.

جدای از سرمایه اجتماعی آموزش و آگاهی‌رسانی در خصوص اهداف، کارکرد و چرایی ایجاد این تدابیر شرط بسیار مهمی

References

1. Darvishvand A, Kadkhodamoradi K, Fattahi Zafarghandi A. Guarantees of the right to sue in the Islamic Republic of Iran's legal system focusing on the Guardian Council views. *Public Law Knowledge Quarterly*. 2021; 10(34): 29-55. [Persian]
2. Latifian M, Baniasad A, Kamali M. Investigating the social dimensions of disability, a systematic review. *Journal of Social Work Research*. 2021; 7(26): 53-101. [Persian]
3. Davoudi Garmarodi H, Lashkari Azar S, Shokati Ahmadabad Z. Protection of Defendant's Rights in the Access to Justice for Disabled Children against Domestic Violence; Challenges and Solutions. *MLJ*. 2023; 17(58): 357-371. [Persian]
4. Ghanizadeh Bafghi M. The best interests of children with disabilities in the light of Iranian laws and international instruments. *Comparative Law Review*. 2018; 10(2): 597-616. [Persian]
5. Hosseini A, Mjdy A, Hassani G. Investigating the role of social support on the quality of life of the elderly in Mashhad in 2014. *JOGE*. 2016; 1(2): 10-18. [Persian]
6. Supporting the rights of people with disabilities and the elderly in the judicial process; 2023. Available at: <https://www.rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=27484>. [Persian]
7. Parvin KH, Shabani S. Domestic violence against women with disabilities and access to justice in the international human rights system. *Public Law Studies Quarterly*. 2021; 51(3): 1049-1068. [Persian]
8. Rafael L, Kamal L. Disability policies in Japan and Sweden: a comparative perspective. *ALTER, European Journal of Disability Research*. 2019; 13: 1-14.
9. Ellem K, Richards K. Police contact with young people with cognitive disabilities: Perceptions of procedural (in)justice. *Youth Justice*. 2018; 18(3): 230-247.
10. Kayess R, French P. Out of the darkness into the light? Introducing the Convention on the Rights of Persons with Disabilities. *Human Rights Law Review*. 2008; 8(1): 1-34.
11. McCausland R, Baldry E. 'I feel like I failed him by ringing the police': Criminalising disability in Australia. *Punishment and Society*. 2017; 19(3): 290-309.
12. Jalalian A. Research from the perspective of ethical norms on guarantees for the protection of persons with disabilities in the Convention on the Rights of Persons with Disabilities and the Law of Iran. *Med Ethics J*. 2021; 15(46): e2. [Persian]
13. Ramezani Qavam Abadi MH. The Protection of Disable People in the International Law. *Social Welfare Quarterly*. 2011; 11(41): 307-341. [Persian]
14. Rabet A. Protecting human dignity and its role in reducing the criminal population. Tehran: National Conference on Penal Population Management; 2019. [Persian]
15. Vijeh MR. The concept of the principle of equality in modern public law. *Basic Rights*. 2004; 1(2): 213-252. [Persian]
16. Mohseni H. Access to justice and government's right of action. *Law Quarterly*. 2017; 47(3): 531-550. [Persian]
17. Bedner J. An analytical framework for empirical research on access to justice. *Law, Social Justice and Global Development Journal*. 2010; 15(1): 1-29.
18. Ziyaei Chahgahi S, Jamshidi A, Ashouri M. Differentialisation of legal persons criminal procedure; necessity, principles & conditions. *The Judiciary's Law Journal*. 2022; 86(119): 295-326. [Persian]
19. Esmaeili M, Seyfi MM. Factors of human dignity in thought of Allameh Tabataba'i. *Public Law Studies Quarterly*. 2019; 48(4): 809-827. [Persian]
20. Elham GH-H, Manouchehri M. The specialization of decision making within juvenile courts in Iran and Italy. *Criminal Law and Criminology Studies*. 2014; 1(1): 37-57. [Persian]
21. Yaghobi M, Soltanifar M, Jafari A, Salmanzadeh J. Explain the challenges of the law of dissemination and free access to information from the perspective of communication and media professors. *New Media Studies*. 2020; 6(21): 27-55. [Persian]
22. Pour Ziaei K, Ghaffari Nik T. Legal and social effects of Iran's accession to the Convention on the Rights of Persons with Disabilities in the domestic legal system. *Legal Civilization*. 2020; 3(6): 119-149. [Persian]